

دوفصلنامه علمی - تخصصی زبان و ادبیات فارسی شفای دل  
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۰ (صص ۱۳۵-۱۵۵)

## معانی ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگو در «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن

عارف کمرپشتی<sup>۱</sup>

مریم سلیمان‌پور<sup>۲</sup>

### چکیده

جمله به واسطه طرز بیان و چگونگی ارائه پیام، چهار قسم خبری، پرسشی، امری و عاطفی است. ماهیت جملات پرسشی، کسب خبر است، اما معانی ثانوی دیگری از آن برداشت می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به اغراض ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگوهای «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن، آخرین منظومه‌های غنایی ادبیات کلاسیک فارسی پرداخته و به این پرسش پاسخ می‌دهد که معانی ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگوها در کدام منظومه برجسته‌تر است و علت این برجستگی چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بسامد جملات پرسشی گفت‌وگو در «ایرج و هوبره» نسبت به اقسام جمله، از منظومه «زهره و منوچهر» بیشتر است. بسامد جملات تعجبی، استفهام انکاری و اظهار بی‌تابی، دلیل برجستگی و استفاده هنرمندانه لاربن از معانی ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگو در «ایرج و هوبره» است. در «زهره و منوچهر» بسامد تعجب و توبیخ در جملات پرسشی، جهت رسیدن زهره به خواهش‌های دل است، اما در «ایرج و هوبره» بسامد تعجب با توجه به جنبه غنایی منظومه، برآمده از عشق و حالات عاشقانه است و با توجه به جنبه حماسی منظومه، دو دلی در هنگام خطر و دست‌درازی به میهن، مایه حیرت است. استفهام انکاری، برای بیان مقصود و تأیید کلام بسامد یافته و اظهار بی‌تابی در منظومه غنایی لاربن، متأثر از فراق و دوری از معشوق و عشق حقیقی است که در «زهره و منوچهر» نمود ندارد.

واژه‌های کلیدی: معانی ثانوی، جملات پرسشی، زهره و منوچهر، ایرج‌میرزا، ایرج و هوبره، قاسم لاربن.

۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول).  
arefkamarposhti@gmail.com

۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.  
60.soleymanpour@gmail.com

## ۱- مقدمه

جملات با توجه به نحوه ارائه پیام بر چهار قسم خبری، پرسشی، امری و عاطفی‌اند که تنها به منظور خبر، پرسش، فرمان و بیان حالات درونی استفاده نمی‌شوند؛ زیرا با اغراض ثانوی در معنایی غیر معنی اصلی خود به کار می‌روند. اغراض ثانوی بر زیبایی جمله افزوده و ادبیت کلام را دو چندان می‌کند. اغراض ثانوی و نقش آن در ادبیت کلام با توجه به اهمیت عنصر گفت‌وگو در منظومه «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لاربن در حیطه جملات پرسشی گفت‌وگو از منظر علم معانی قابل تأمل و بررسی است. «زهره و منوچهر» ترجمه آزادی است از داستانی اروپایی به نام «ونوس و آدونیس» ویلیام شکسپیر که به سرانجام نرسیده است. ایرج‌میرزا (۱۲۵۱- ۱۳۰۴.ش) داستان شکسپیر را تا آن‌جا که ترجمه صورتگر در مجله سپیده‌دم منتشر شده، به نظم درآورده است.<sup>(۱)</sup> این منظومه ناتمام در قالب مثنوی و بحر سریع سروده شده است.

قاسم لاربن (رحیمیان) متولد ۱۱ دی ماه ۱۲۹۳ در شهر بابل است. لاربن مدتی با سمت دبیر زبان فرانسه دبیرستان‌های بابل مشغول به کار شد، اما نوشتن را به‌عنوان مشغله اصلی خود برگزید. در دوره نهضت ملی کردن نفت، به روزنامه‌نگاری روی آورد. لاربن داستان‌نویسی را با انتشار کتاب «من و تو» (۱۳۲۲) آغاز کرد. بیش از ۲۰ اثر داستانی، چند نمایش‌نامه و مجموعه شعر حاصل کار اوست (میرعابدینی، ۱۳۸۸:۳). لاربن سوم مهر ۱۳۹۱ در تهران درگذشت.

منظومه «ایرج و هوبره» اولین کتاب شعر لاربن، نخستین بار در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. این منظومه برخاسته از فرهنگ و هویت ایرانی و متناسب با وضعیت اجتماعی و سیاسی آن دوران در قالب مثنوی با وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» در بحر سریع مسدس مطوی مکشوف در ۱۰۱۱ بیت سروده شده است. «ایرج و هوبره»، حماسه «عشق و جنگ» است.

## ۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

جمله نقش مهمی در بیان و انتقال مفهوم گوینده یا نویسنده دارد. صرف نظر از

تعریف جمله، هر گاه سخن از جمله و انواع آن به میان می‌آید، دسته‌بندی‌هایی از قبیل: جملات ساده و مرکب، کامل و ناقص، فعلی و اسنادی، خبری و امری به ذهن متبادر می‌شود. «جمله را به اعتبار طرز بیان و چگونگی ارائه پیام می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: خبری، پرسشی، عاطفی، امری» (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۷۷: ۳۰۷). در این پژوهش معانی ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگو در منظومه‌های «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لارین مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سؤال اصلی پژوهش این است که معانی ثانوی جملات پرسشی منظومه‌ها چگونه نمود یافته است؟ کدام معانی برجسته‌اند؟ دلایل این برجسته شدن چه بوده است؟

## ۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

«ایرج و هوبره» به تقلید از «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا سروده شده است. لارین درباره مقلد بودن خود می‌گوید: «ایرج‌میرزا «زهره و منوچهر» را نوشت و آن هم ترجمه است. من «ایرج و هوبره» را در زمینه عشق صمیمی و صادقانه ابراز داشتیم. عشق واقعی در یک منظومه» (اعتمادزاده، ۱۳۹۱: ۱۲۴). منظومه «ایرج و هوبره» با وجود تأثیرپذیری از «زهره و منوچهر»، «قوت و اصالت» دارد. زبان نرم و لطیف و روان آن در کنار تازگی موضوع، خواندن منظومه را دل‌نشین می‌کند (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۲۶) که اگر عادلانه قضاوت شود، حتی بر «زهره و منوچهر» فزونی چشم‌گیری دارد (زمانی‌شهمیرزادی، ۱۳۷۱: ۲۶۷). با توجه به پیشینه تحقیق تاکنون بررسی اشتراک و افتراق دو منظومه با موضوعات مختلفی محقق شده است. هر بار که زمینه تحقیق و پژوهش جدیدی از این منظومه به طور تطبیقی با «زهره و منوچهر» فراهم می‌شود، زوایای مختلفی از منظومه «ایرج و هوبره» روشن می‌گردد که غلبه تقلید صرف بودن این منظومه از منظومه ایرج‌میرزا را به یک سو نهاده و توانمندی‌ها و اندیشه‌های پنهان سراینده گمنامش را آشکار می‌سازد. این پژوهش در نظر دارد جملات پرسشی گفت‌وگوی دو منظومه را از نظر علم معانی بررسی نماید.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

در اینجا، با پرهیز از ذکر منابعی که با موضوع اغراض ثانوی جملات پرسشی نوشته شده، تنها به مشخصات برخی از آثاری که درباره دو منظومه مورد پژوهش نگاشته شده‌اند، بسنده می‌کنیم:

۱- هاشمیان، لیلا؛ رحیمی‌مهروان، لیلا، (۱۳۹۱)، «بررسی مثنوی «زهره و منوچهر» ایرج میرزا با عنایت به آبخور اصلی آن، ونوس و آدونیس شکسپیر»، فصلنامه گیلان ما، ش ۴ (پیاپی ۴۸)، صص ۲۲-۲۹.

۲- سلیمان‌پور، مریم، (۱۳۹۵)، «تحلیل انواع قاعده‌افزایی در منظومه «ایرج و هوبره» سروده قاسم لاربن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل.

۳- طاهرزاد، ام‌البین، (۱۳۹۵)، «مقایسه تطبیقی عناصر داستان در منظومه «لیلی و مجنون» نظامی و «ایرج و هوبره» لاربن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور آمل.

۴- اورک مورد غفاری، پریسا، (۱۳۹۷)، «منظومه «ایرج و هوبره» قاسم لاربن مازندرانی و تطبیق ساختاری آن با مثنوی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۳۸، صص ۹۷-۱۲۷.

مقالات نوشته شده توسط نویسندگان مقاله پیش‌رو نیز عبارتند از:

«بررسی توازن واژگانی در منظومه ایرج و هوبره»، (۱۳۹۴)، مجله الکترونیک هشتمین همایش انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی، صص ۱۷۶۹-۱۷۸۹.

«تحلیل سبک‌شناسی آوایی در منظومه «ایرج و هوبره»»، (۱۳۹۶)، دوازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، صص ۸۴۰۲-۸۴۲۶.

«مؤلفه‌های زبان عامه در منظومه‌های «زهره و منوچهر» و «ایرج و هوبره»»، دو ماهنامه علمی - پژوهشی فرهنگ و ادبیات عامه، سال پنجم، ش ۱۸، صص ۲۰۷-۲۳۲.

«موسیقی کناری در منظومه‌های «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره»

لارین»، (۱۳۹۷)، مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی متن پژوهی ادبی، جلد دوم، صص ۳۹۷-۴۱۴.

«توازن نحوی در منظومه «ایرج و هوبره»، آخرین منظومه غنایی فارسی»، سیزدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، صص ۲۹۱۷-۲۸۹۸.

«تحلیل موسیقی درونی منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لارین»، (۱۳۹۸)، مجموعه مقالات هشتمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی، جلد دوم، صص ۳۹۵-۴۱۷.

«بررسی توازن نحوی منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لارین»، (۱۳۹۹)، ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران، مقاله شماره ۱۱۳، صص ۱-۲۰.

«معانی ثانوی جملات امری گفت‌وگو در منظومه‌های غنایی «زهره و منوچهر» ایرج‌میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لارین»، هفتمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مدیریت، علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، صص ۱-۱۹.

با توجه به موارد بالا، پژوهشی مجزاً با موضوع بررسی جملات پرسشی گفت‌وگوی دو منظومه انجام نشده است.

## ۲- بحث و یافته‌های تحقیق

### ۲-۱- اغراض ثانوی جملات پرسشی

در جملات پرسشی معمولاً با به‌کارگیری ادات پرسش درباره امری، سؤال می‌شود و «غرض اصلی از پرسش، طلب اخبار است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۷۹)، اما در علم معانی، جملات پرسشی در معنایی غیر از معنی اصلی خود به‌کار می‌روند که شمیسا ۲۸ معنی ثانوی برای جملات پرسشی برشمرده است (همان: ۱۷۹-۱۸۶).

## ۲-۲- معرفی منظومه زهره و منوچهر

زهره الهه عشق است و عشق آفرین و منوچهر فرمانده سپاهی است که دل در گرو شغل نظامی خویش دارد. عشق و دلدادگی زهره برخلاف داستان‌های ایرانی، عشقی آسمانی و عرفانی نیست، بلکه عشقی زمینی و انسانی است با تمام جمال و کمال طبیعی (آرین‌پور، ۱۳۷۵: ۲/ ۴۰۵-۴۰۶). زهره در پی آن است که منوچهر را به عشق خود مبتلا سازد، ولی منوچهر که لباس مقدس نظام بر تن دارد، از خواسته‌های هوسناک زهره سر باز می‌زند.

## ۲-۳- معرفی منظومه ایرج و هوبره

«ایرج و هوبره»، داستان دو دلداده در کشاکش جنگ تحمیلی است. ایرج با دیدن هوبره، دختر گل‌فروش منظومه، عاشق و دلدادۀ او می‌شود. جنگ تحمیلی ایرج را در گزینش یکی از دو معشوق، مردد نگاه می‌دارد. در نهایت ایرج عشق به وطن را برمی‌گزیند و در این راه به شهادت می‌رسد.

## ۲-۴- بررسی اغراض ثانوی جملات پرسشی منظومه‌ها

به منظور بررسی اغراض ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگوهای دو منظومه، انواع چهارگانه جمله برشمرده شده و از ۸ نوبت از انواع گفت‌وگوی منظومه ایرج‌میرزا، ۵۷۵ جمله استخراج شده است. بسامد جملات پرسشی ۵۵ جمله یا ۹/۵۶٪ است که ۵۲ جمله آن (۹۴/۵۴٪) در معانی ثانوی به‌کار رفته است. در منظومه لارین از ۳۳ نوبت از انواع گفت‌وگو، ۱۰۳۱ جمله یافت شده که ۶۵ جمله (۶/۳٪)، پرسشی‌اند و ۶۳ جمله آن (۹۶/۹۲٪) در معنی ثانوی به‌کار رفته است. از معانی ثانوی جملات پرسشی، در مجموع ۱۲ معنی از دو منظومه یافت شده است.

در «زهره و منوچهر» ۳ جمله (۵/۴۵٪) و در «ایرج و هوبره» ۲ جمله (۳/۰۷٪) در معنی اصلی خود یعنی پرسش به‌کار رفته که با ضرورت پیش‌برد داستان و دادن خبر به مخاطب هم‌سو است. در منظومه ایرج‌میرزا، زهره به منظور کسب خبر از منوچهر می‌پرسد:

قصد کجا داری و نام تو چیست؟ در دل این کوه مرام تو چیست؟

(ایرج‌میرزا، ۱۳۵۳: ۹۹)

و هوبره نیز به همان منظور از ایرج این‌گونه می‌پرسد:

گفت که هستی و چه‌ات در ضمیر؟ بیهده بر دخترکان ره مگیر

(لارین، ۱۳۶۳: ۲۲)

یافته‌ها براساس بسامد ابتدا در «زهره و منوچهر» و سپس در «ایرج و هوبره» بحث و بررسی شده‌اند.

## ۲-۴-۱- تعجب

از اغراض ثانوی جملات پرسشی در گفت‌وگوی زهره و منوچهر، تعجب با ۳۸٪/۱۸ بالاترین بسامد را داراست. از آن‌جا که بخش اعظم منظومه - ۶۰/۷۵٪ به گفت‌وگوی زهره اختصاص یافته، از ۲۱ جمله پرسشی در معنای تعجب، ۲۰ جمله از زبان زهره است، ۱۵ جمله در گفت‌وگو با منوچهر و ۵ جمله در حدیث نفس بیان شده است. زهره که در شکارگاه مجذوب منوچهر می‌شود، در حدیث نفسی حیرت و تعجب خود را این‌گونه ابراز می‌کند:

گفت‌به‌خود خلقت عشق از من است این‌چه ضعیفی و زبون‌گشتن است؟

ألهة عشق منم در جهان از چه به من چیره شود این جوان؟

(ایرج‌میرزا، ۱۳۵۳: ۹۸)

در ابیات بالا، به طور قطع زهره به دنبال پاسخ پرسش‌هایش نیست. در مصراع اول ابیات، با آنکه زهره بر الهه بودن خود اذعان دارد و بدان تفاخر می‌کند، عاشق و شیفته منوچهر شده است؛ از این‌رو تعجب برخاسته از این تناقض، به صورت جملات پرسشی در مصراع دوم ابیات بالا نشان داده شده است. زهره که سعی دارد منوچهر را در دام عشق خود گرفتار سازد، با بی‌توجهی

منوچهر مواجه می‌شود؛ بنابراین در اولین گفت‌وگو با منوچهر در قالب جملات پرسشی، تعجب خود از رفتارهای منوچهر را این‌گونه بازگو می‌کند:

از چه کنی اخم مگر من بدم؟ بلکه ملولی که چرا آمدم؟

(همان: ۱۰۲)

مرد رشید این همه وسواس چیست؟ مرد رشیدی زکست پاس چیست؟

(همان: ۱۰۹)

زهره به جای استفاده از جملات عاطفی یا خبری، از جملات پرسشی استفاده می‌کند تا سخنانش تاثیرگذار باشد و منوچهر به خود آید. زهره به جای استفاده از جملات خبری با تعجب نهفته در جمله پرسشی این نکته را متذکر می‌شود که تو چقدر ترسو هستی! تا صراحت گفتارش باعث رنجش منوچهر نشود، اما گویی تاب نمی‌آورد و با جمله پرسشی زیر، نهایت حیرت و شگفتی‌اش را که با توبیخ نیز همراه است، ابراز می‌کند:

این چه دل است ای پسر بی‌نظیر سخت‌تر از سنگ و سیه‌تر ز قیر

(همان: ۱۱۲)

برای الهه عشقی که مشتاقان زیادی دل‌باخته‌ اویند، رفتارهای این جوان نظامی، بی‌توجهی و عدم پذیرش عشق، زهره را به حیرت وامی‌دارد و به صورت غیرمستقیم در قالب جملات پرسشی شگفتی‌اش را نشان می‌دهد.

گفت‌وگوهای منوچهر در مقایسه با گفت‌وگوهای زهره، اندک است. منوچهر تنها در یک جمله پرسشی با معنای تعجب در اولین گفت‌وگو به زهره می‌گوید:

کیست که این‌ظلم به من کرده است؟ مرد برد تهمت و زن کرده است

(همان: ۱۰۶)

منوچهر که به ارزش‌های اخلاقی و مناسبات اجتماعی مقید است، در مصرع اول



بیت بالا، با این اندیشه که با وجود محبوب بودن و دوری از عشق زنان، چه کسی توانسته بر او دست یازد - آن‌گونه که آن را ظلمی بر خود می‌داند - تعجب خود را نشان می‌دهد و از تهمت‌های ناروای مردم نیز متأثر است.

در منظومه «ایرج و هوبره»، مفهوم تعجب بیشتر از «زهره و منوچهر» است و با ۴۱/۵۳٪ پرکاربردترین معنی ثانوی منظومه است که در گفت‌وگوهای ایرج با ۹ جمله و حدیث نفس با ۸ جمله، بیشتر استفاده شده است.

هوبره در اولین گفت‌وگو با ایرج، بر فریب و افسانه بودن عشق، پرهیز از عشق و سخت‌گیری خود تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد؛ از این‌رو ترس و واهمه هوبره، سبب تعجب ایرج می‌شود و می‌گوید:

ترس تو از دام ندانم ز چیست؟ از من و تو صید که و دام کیست؟

(لارین، ۱۳۶۳: ۲۹)

ایرج که با پروای بیش از حد هوبره روبه‌روست، تلاش می‌کند تا تفاوت عشق و خواهش‌های نفسانی را برای او شرح دهد؛ از این‌رو در قالب جملات پرسشی به قصد آگاه‌سازی هوبره، با تعجب سخن می‌گوید تا غیرمستقیم تصوّرات اشتباه هوبره را اصلاح نماید، مانند ابیات زیر:

در نفس و جان و تن گل چه بود؟ کاین همه در چشم تو زیبا نمود؟

نغمه چرا در دل هر سنگ نیست؟ راز خروش دل هر چنگ چیست؟

(همان: ۳۶)

بسامد تعجب در جملات پرسشی حدیث نفس‌ها نیز بسیار است. با توجه به جنبه حماسی منظومه، ایرج پس از دریافت نامه احضار به جبهه بر سر دو راهی عشق و حبّ وطن مردّد می‌ماند، اما در حدیث نفسی تعجبش از چنین تردیدی را این‌گونه پاسخ می‌دهد:

خانه تو چاشتگه اهرمن؟ گوی مرا بهر چه‌ات جان و تن؟

(همان: ۶۵)

باره تو زیر پی دشمنان؟ آب تو در کوزه اهریمنان؟

(همان: ۶۶)

از آن جا که جنبه غنایی منظومه غالب است، هوبره پس از شهادت ایرج، با خویشتن به گفت‌وگو می‌نشیند و جمال و شکوه ایرج را با حیرت و شگفتی می‌ستاید:

نقش تو در عالم تصویر نیست گوی به من آینه‌دار تو کیست؟

(همان: ۹۲)

هوبره حتی از تحول و دگرگونی درونی خویش حیرت‌زده است و می‌گوید:

من دگر آن کس که بدم نیستم از دل خود پرس که من کیستم؟

(همان: ۹۳)

در بیت بالا شیفتگی هوبره، پس از فراق معشوق بیان شده است که اثرگذاری بر مخاطب را دو چندان می‌کند.

در مصرع دوم بیت زیر، هوبره در پی پاسخ نیست، بلکه تعجب خود از ترجیح حب وطن بر عشق مادی را بازگو می‌کند:

دیده فرو بستی و جان سوختی خرقه خود را به که بفروختی؟

(همان: ۹۵)

در مصرع دوم بیت زیر، مادر هوبره پس از آگاهی از عشق فرزندش، حیران و سرگردان از دست دادن او با خود این‌گونه واگویه می‌کند:

وقت فرو مردن این شمع نیست شمع نهادن ره توفان ز چیست؟

(همان: ۱۱۰)

معنی ثانوی تعجب از جملات پرسشی گفت‌وگو در «ایرج و هوبره»، هم از نظر کمی و چه بسا از نظر کیفی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با «زهره و منوچهر» دارد. تعجب زهره از آن است که وقتی فرصت بهره‌جستن از عشق فراهم است و حتی خود پیش‌قدم شده است؛ چرا منوچهر تمایلی به پذیرش این عشق ندارد؟ درحالی‌که جنبه غنایی منظومه «ایرج و هوبره» بر عشقی مقدس و پاک تکیه دارد که هم ایرج و هم هوبره به قداست آن واقفانند. همچنین جنبه حماسی منظومه، حیرت و شگفتی ایرج در هنگام در خطر بودن میهن را -که عشقی آرمانی است- نشان می‌دهد.

#### ۲-۴-۲- توبیخ و ملامت

توبیخ در منظومه ایرج‌میرزا با ۱۳ جمله (۲۳/۶۳)، در جایگاه دوم معانی ثانوی جملات پرسشی قرار دارد که در گفت‌وگوی زهره، بیشتر استفاده شده است. زهره که در اولین گفت‌وگو با منوچهر نتوانست نظر او را جلب کند، در میانه توصیف منوچهر، این‌گونه زبان به توبیخ می‌گشاید:

دل به هوای دگری داشتی؟ یا لب من بی‌نمک انگاشتی؟

(ایرج‌میرزا، ۱۳۵۳: ۱۰۲)

توبیخ و ملامت‌های زهره تنها نه از آن روست که منوچهر به الهه عشق توجه نمی‌کند، او حتی منوچهر را به خاطر کم‌توجهی به خودش نیز سرزنش می‌کند، مانند ابیات زیر:

آتش سرخی تو، خمودت چرا؟ آب روانی تو، جمودت چرا؟

تازه جوانی تو، جوانیت کو؟ عید بود، خانه تکانیت کو؟

(همان: ۱۰۹)

زهره تلاش می‌کند از در سازش و مهربانی با منوچهر سخن گوید و او را با خود همراه سازد، اما گاه از جملات پرسشی او افزون بر معنی تعجب، توبیخ و سرزنش منوچهر نیز برداشت می‌شود:

ای عجب آن که ز زن آفرید چون ز زن این گونه تواند برید؟  
این همه هم جور و ستم می‌شود از تو ز یک بوسه چه کم می‌شود؟

(همان: ۱۱۲)

بیت بالا نشان می‌دهد توییخ زهره، جهت رسیدن به خواهش‌های دل است. در بررسی اغراض ثانوی جملات خبری نیز، توییخ و سرزنش از زبان زهره بدین منظور بود؛ با این تفاوت که بسامد این معنی در جملات پرسشی بیشتر از جملات خبری - با ۴/۳۱٪ - است. علت آن است که در جملات پرسشی به طور غیرمستقیم و بی‌پروا حتی می‌توان معشوق را توییخ کرد؛ زیرا وجه پرسشی این جملات غالب است تا معنی نهفته در آن، اما در جملات خبری به واسطه انتقال مستقیم پیام، از توییخ و سرزنش محبوب پرهیز می‌شود.

در بیت زیر، پس از آن که منوچهر از عشوه‌گری و عواقب آن هشدار می‌دهد، این گونه زهره را توییخ می‌کند:

عذر چه آرد به کسان روی من؟ یک منم و چشم همه سوی من

(همان: ۱۰۶)

اگرچه منوچهر تنها از ۲ جمله پرسشی در معنای توییخ استفاده کرده است، اما شاهد مثال بالا و بررسی ابیات پیش از آن، نشان می‌دهد توییخ منوچهر با پای‌بندی او به مناسبات اجتماعی ارتباط دارد؛ آن چنان که در بررسی اغراض ثانوی جملات خبری نیز، چنین رابطه‌ای مشهود بود.

در منظومه «ایرج و هویره»، برداشت معنی توییخ از جملات پرسشی، ۴/۶۱٪ است که در گفت‌وگوهای دو نفره ایرج و هویره بیان نشده است، بلکه در حدیث نفس هویره آمده است:

ای که نشاندی به غم خود مرا این همه خون در دل زارم چرا؟

(لارین، ۱۳۶۳: ۹۴)

از چه زدی خیمه به صحرای خواب؟ وز چه زدی نقش امیدم بر آب؟

(همان: ۹۵)

در ادبیات غنایی، عاشق از جور و ستم معشوق زبان به توبیخ و سرزنش می‌گشاید، اما در لفافه و غیرمستقیم، مبادا معشوق برنجد. هوبره نیز، پس از شهادت ایرج در حدیث نفس با جملات پرسشی، محبوبش را غیرمستقیم توبیخ می‌کند. البته این توبیخ برخاسته از تأثر ناشی از فراق و دوری ایرج است؛ درحالی‌که در «زهره و منوچهر» افزون بر بسامد، شیوه و هدف توبیخ متفاوت است.

## ۲-۴-۳- استفهام انکاری

استفهام انکاری یافت شده از جملات پرسشی گفت‌وگوی زهره و منوچهر با ۹ جمله از کل جملات پرسشی، ۱۶/۳۶٪ بسامد دارد. همانند دیگر معانی ثانوی، این معنی نیز در گفت‌وگوی زهره با ۷ جمله، بیشتر از منوچهر به کار رفته است. زهره در پی ترغیب منوچهر در گفت‌وگوی نخست، با آنکه هویتش را فاش نمی‌کند، اما متعجب از بی‌تفاوتی منوچهر به طنازی و زیبایی‌اش، با جملات پرسشی می‌گوید:

خوب بین بد به سراپام هست؟ یک سر مو عیب در اعضاء هست؟

هیچ خدا نقص به من داده است؟ هیچ کسی مثل من افتاده است؟

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۰۲)

در ابیات بالا، جملات پرسشی زهره در معنی استفهام انکاری است، نه به منظور پرسش، بلکه با این تصوّر که اگر در جلب نظر منوچهر توفیق نیابد، توانسته باشد بر زیبایی خود صحّه گذاشته و بر الهه بودنش مباحث نماید. زهره پس از توصیف منوچهر در جمله‌ای پرسشی که با توبیخ و هشدار و تحقیر همراه است، این چنین می‌گوید:

حیف نباشد تو بدین خطّ و خال بر نخوری، بر ندهی از جمال؟

(همان: ۱۱۰)

در پاسخ به استفهام انکاری با فعل مثبت یا منفی، نقطهٔ مقابل مورد پرسش، تأیید می‌شود. در بیت بالا، زهره به منوچهر می‌گوید: «حیف است که ...» و خود از این جهت متأثر است. از دیگر سو از این استفهام، توبیخ و سرزنش منوچهر نیز دریافت می‌شود.

استفهام انکاری منوچهر در بیت زیر، بار دیگر توجه به مناسبات اجتماعی را تداعی می‌کند که می‌پرسد:

خلق چه دانند که این داغ چیست؟ بر رخ من داغ تو یا داغ کیست؟

(همان: ۱۰۶)

استفهام انکاری در منظومهٔ لاربن با ۱۶ جمله از مجموع جملات پرسشی یا به عبارتی ۲۴/۶۱٪، بسامد بیشتری نسبت به منظومهٔ ایرج‌میرزا دارد و دومین معنی پر کاربرد معانی ثانوی جملات پرسشی، گفت‌وگوی این منظومه به شمار می‌رود. استفهام انکاری در انواع گفت‌وگوهای منظومه به چشم می‌خورد. در حدیث نفس با ۴ جمله و در گفت‌وگوی نمایشی و جانداران با ۳ جمله، بیشتر استفاده شده است. اولین استفهام انکاری در حدیث نفس ایرج آمده که در دو راهی عشق زمینی و آرمانی به خود نهیب می‌زند و با این جملهٔ پرسشی به خود می‌گوید:

یوز در این‌بیشه نگیرد مقام بیشهٔ شیر است، کجا شیر و دام؟

(لاربن، ۱۳۶۳: ۶۵)

استفهام انکاری که پرسشی بلاغی است، بر زیبایی بیت افزوده و لذت غرورآفرین پاسداری از وطن را در کام مخاطب دو چندان می‌کند.

در بیت زیر، هویره پس از شهادت ایرج در فراق محبوب با خود این‌گونه نجوا می‌کند:

چشم من از شوق نگه آنزاک گر بزنی تیغ و گریزی چه باک؟

(همان: ۹۲)

اگر چه شاعر با جمله خبری منفی-گر بزنی تیغ مرا نیست باک- هم می‌توانست مفهوم بیت را بی‌آن‌که وزن شعر خلل یابد، القا نماید، اما کاربرد استفهام انکاری، زیبایی عشق هوبره و تأثیر و اندوه او را در ذهن ماندگار می‌کند. در بیت زیر نیز، ادامه حدیث نفس هوبره با استفهام انکاری بیان شده است:

آن قدح آینه کردار کو؟ وان بر و گوش و رخ و رفتار کو؟

(همان: ۹۴)

برای شاهد مثال بی‌تی از گفت‌وگوی نمایشی آمده است:

شیر کجا بندی روباه شد؟ کوه چه‌سان پنجه خور کاه شد؟

(همان: ۷۹)

لاربن در جمله خبری مصرع اول بیت زیر، جان باختن ایرج را خبر می‌دهد، اما با استفهام انکاری نه‌تنها جاودانگی او را تأیید می‌کند، بلکه با جمله خبری مصرع دوم، این جان باختن را تعظیم و تکریم می‌نماید:

ایرج ما مرد، کجا او بمرد؟ جان گرامیش به میهن سپرد

(همان: ۸۱)

بیت زیر، شاهد مثالی از گفت‌وگوی جانداران است. چشمه در گفت‌وگو با هوبره با استفهام انکاری مصرع دوم و دریافت معنی بزرگداشت از جمله خبری مصرع اول، ارج و قرب جایگاه ایرج را متذکر می‌شود:

رفت درون دل تاریخ ما خوش‌تر از آن‌گوشه به عالم کجا؟

(همان: ۱۰۳)

استفهام انکاری به‌کار رفته در منظومه «ایرج و هوبره»، تأیید فکر و اندیشه گوینده آن است. پرسش بلاغی فی‌نفسه، به پاسخ نیاز ندارد؛ زیرا پاسخ در اصل

سؤال، پنهان است - خواه مثبت خواه منفی - اما نکته مهم آن است که این استفهام، تصدیق و تأیید مخاطب را به همراه دارد، مانند تأیید ارزش‌های ملی - میهنی، پذیرش عشق واقعی هوبره، برتری عشق آرمانی.

#### ۲-۴-۴- بی تابی

در منظومه ایرج‌میرزا، شاهد مثالی از جملات پرسشی گفت‌وگو در معنی اظهار بی‌تابی یافت نشده است که باید علت را در شخصیت‌های داستان جست‌وجو کرد. زهره که شیفته منوچهر است، با توجه به الهه بودنش تلاش می‌کند با هشدار و توبیخ و سرزنش، منوچهر را در نیل به مقصود خویش سوق دهد، اما نظامی بودن و توجه به ارزش‌های اجتماعی، مانع دلدادگی منوچهر می‌شود؛ بنابراین از بی‌تابی معمول عاشق و معشوق در منظومه، اثری نیست.

در منظومه لارین، بی‌تابی با (۷ جمله) ۱۰/۷۶٪ سومین مرتبه از معانی ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگوها را داراست. ایرج تنها در یک جمله پرسشی در دومین گفت‌وگو با هوبره، بی‌تابی خود را این‌گونه اظهار می‌کند:

من چه کنم بی تو؟ بیا و مرو هان مده از دست زمان درو

(لارین، ۱۳۶۳: ۵۷)

بی‌تابی و بی‌قراری برخاسته از عشق با توجه به جنبه غنایی منظومه، طبیعی است. هوبره نیز این عشق را تجربه کرده و تلخی فراق او را بی‌تاب کرده است که پس از شهادت ایرج این‌گونه با خود نجوا می‌کند:

آن قد و بالا و بر و رو چه شد؟ وان خط سبز خوش مینو چه شد؟

چشم‌و چراغ همه عالم کجاست؟ گوهر یکدانه آدم کجاست؟

(همان: ۹۱)

غلبه آموزه‌های اخلاقی، عفت و پاکدامنی هوبره - با توجه به معرفی که در آغاز

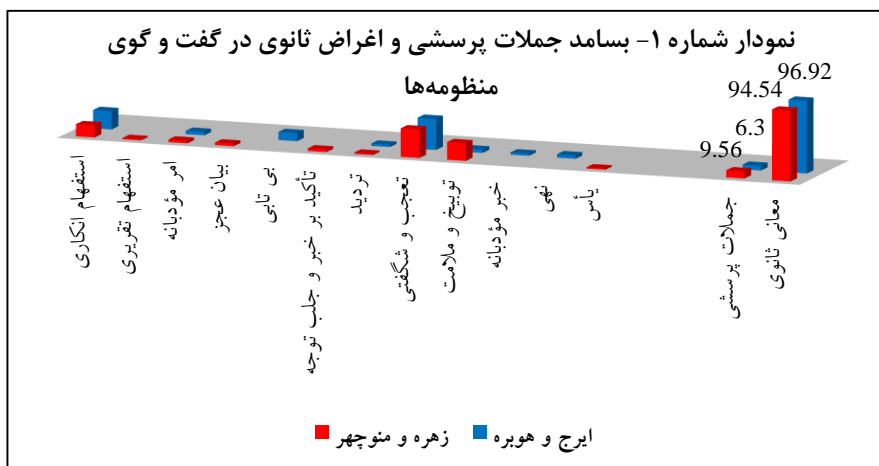


منظومه از خود داشت- سبب شد تا بی‌تابی‌های خود را نه‌تنها با مادرش و بلکه با دیگر شخصیت‌های داستان به صورت مستقیم بیان نکند و به صورت حدیث نفس بازگو کند. نکتهٔ ظریف دیگر آن است که اظهار بی‌تابی هوبره به صورت حدیث نفس و با جملات پرسشی، عفت و حیای او را نشان می‌دهد که همانند ایرج، بی‌تابی‌اش را صریح و مستقیم ابراز نمی‌کند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد میزان اثرگذاری این معنی ثانوی بدین‌گونه، بیشتر است و مخاطب نیز همراه با بی‌تابی هوبره، متأثر و اندوهگین می‌شود.

افزون بر معانی ثانوی پر بسامد جملات پرسشی گفت‌وگوی دو منظومه که از نظر گذشت، دیگر معانی ثانوی یافت شده و بسامدشان در جدول و نمودار زیر، آمده است:

جدول شماره ۱- اغراض ثانوی جملات پرسشی در گفت و گوی منظومه‌ها

ایرج و هوبره		زهره و منوچهر		منظومه اغراض ثانوی
درصد	بسامد	درصد	بسامد	
٪ ۲۴/۶۱	۱۶	٪ ۱۶/۳۶	۹	استفهام انکاری
-	-	٪ ۱/۸۱	۱	استفهام تقریری
٪ ۴/۶۱	۳	٪ ۳/۶۳	۲	امر مؤدبانه
-	-	٪ ۳/۶۳	۲	بیان عجز
٪ ۱۰/۷۶	۷	-	-	بی‌تابی
٪ ۳/۰۷	۲	٪ ۵/۴۵	۳	پرسش
-	-	٪ ۳/۶۳	۲	تأکید بر خبر و جلب توجه
٪ ۳/۰۷	۲	٪ ۱/۸۱	۱	تردید
٪ ۴۱/۵۳	۲۷	٪ ۳۸/۱۸	۲۱	تعجب
٪ ۴/۶۱	۳	٪ ۲۳/۶۳	۱۳	توبیخ و ملامت
٪ ۳/۰۷	۲	-	-	خبر مؤدبانه
٪ ۴/۶۱	۳	-	-	نهی
-	-	٪ ۱/۸۱	۱	یأس
۶۵ جمله / ۶۳ معنی		۵۵ جمله / ۵۲ معنی		جملات پرسشی و معانی ثانوی



### ۳- نتیجه‌گیری

جمله از نظر چگونگی بیان و ارائهٔ پیام، چهار نوع خبری، پرسشی، امری و عاطفی است. جملات گاه غیر از ارائهٔ معنای اصلی خود، معنای ثانوی دارند که باعث افزونی ادبیت کلام می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با آن‌که جملات پرسشی گفت‌وگوی منظومهٔ ایرج‌میرزا در بین اقسام چهارگانهٔ جملات با ۹۴/۵۶٪ بیشتر از منظومهٔ لارین با ۶/۳٪ است، اما بسامد معانی ثانوی نسبت به جملات پرسشی در «ایرج و هوبره» با ۹۶/۹۲٪ بیشتر از «زهره و منوچهر» با ۹۴/۵۴٪ است. در پاسخ به پرسش تحقیق باید اذعان کرد، با آن‌که جملات پرسشی در منظومهٔ ایرج‌میرزا بیشتر است، اما لارین توانسته است، معانی ثانوی جملات پرسشی گفت‌وگوها را هنرمندانه به‌کار گیرد. بسامد معانی ثانوی تعجب، استفهام انکاری و بی‌تابی سبب برتری معانی ثانوی منظومهٔ «ایرج و هوبره» شده است. افزون بر بسامد، از نظر کیفی نیز این معانی در این منظومه برجسته‌اند. در «زهره و منوچهر»، توییح بسامد بیشتری نسبت به «ایرج و هوبره» دارد و بیشتر از زبان زهره بیان شده است. زهره که الههٔ عشق است، در نیل به خواش‌های دل، منوچهر را - که از عشق سرباز می‌زند - توییح و ملامت می‌کند که در یک منظومهٔ غنایی چندان مخاطب‌پسند و دل‌نشین نیست؛ از این‌رو در جملات پرسشی گفت‌وگوی منظومهٔ «ایرج و هوبره» بسامد اندکی دارد. بسامد تعجب که در دو منظومه، اولین معنی ثانوی پر کاربرد است، در «ایرج و هوبره» نمود بیشتری دارد. با توجه به جنبهٔ غنایی منظومه، ایرج از عدم پذیرش عشق از سوی هوبره متعجب می‌شود و سعی می‌کند با ابراز تعجب در قالب جملات پرسشی، تفاوت عشق و هوس را به او متذکر شود و تأثیر کلامش بیشتر شود که موفق نیز بوده و با توجه به جنبهٔ حماسی منظومه، ایرج از بی‌تفاوت بودن و شانه خالی کردن در هنگام در خطر بودن میهن، متحیر است. بسامد استفهام انکاری در منظومه، مؤید اثبات نظر و عقیدهٔ ایرج یا هوبره است و از آن‌جا که به پاسخ نیاز ندارد، تأیید و پذیرش مخاطب را به همراه دارد. بسامد بی‌تابی در «ایرج و هوبره»، برخاسته از عشق پاک و فراق و دوری از معشوق است که در «زهره و منوچهر» با توجه به عشق هوس‌آلود زهره و عدم

پذیرش این عشق از سوی منوچهر، شاهد مثالی ندارد؛ بنابراین کاربرد هنرمندانه معانی ثانوی جملات پرسشی بر زیبایی، ادبیت و دل‌نشینی منظومه «ایرج و هوبره» افزوده است.

#### پی‌نوشت

۱- نویسنده کتاب «افکار و آثار ایرج‌میرزا» در صفحه ۱۰۶، علت ناتمام ماندن مثنوی زهره و منوچهر را مرگ ایرج‌میرزا دانسته است.

## کتابشناسی

- ۱- آریز پور، یحیی، (۱۳۷۵)، *از صبا تا نیما*، جلد ۲، چاپ ششم، تهران: زوآر.
- ۲- اعتمادزاده، حسین، (۱۳۹۱)، «*لارین (گفتگوی حسین اعتمادزاده با قاسم لارین (رحیمیان)، داستان‌نویس*)»، ساری: شلفین.
- ۳- انوری، حسن؛ احمدی‌گیوی، حسن، (۱۳۷۷)، *دستور زبان فارسی ۲*، چاپ شانزدهم، تهران: فاطمی.
- ۴- ایرج‌میرزا، جلال‌الممالک، (۱۳۵۳)، *تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او*، به اهتمام محمدجعفر محبوب، چاپ سوم، تهران: اندیشه.
- ۵- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۹۲)، *یک‌صد منظومه عاشقانه فارسی*، تهران: چرخ.
- ۶- زمانی‌شهمیرزادی، علی، (۱۳۷۱)، *شعرای مازندران و گرگان*، تهران: جام.
- ۷- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، *بیان و معانی*، چاپ هشتم، تهران: فردوس.
- ۸- لارین، قاسم، (۱۳۶۳)، *منظومه بلند ایرج و هوبره*، تهران: پیام.
- ۹- میرعابدینی، حسن، (۱۳۸۸)، «*لارین/ شش دهه رمان‌نویسی*»، فصل‌نامه بارفروش، شماره ۸۰، صص ۳-۴.